

عرفان سیاسی - عبادی مولا علی علیه السلام، الگوی مُحبان مولا علی علیه السلام

محسن نصری *

مقدمه:

حضرت حق تعالی در خلقت «بشر» او را به فطرت پاک و الهی، عقل، حواس و ... مجهز و با ارسال پیامبران و نزول شریعت الهی، «صراط مستقیم» را تعیین نمود، تا بشریت در تمامی اعصار و جوامع توان دست یابی به سعادت دنیوی و اخروی و همچنین توسعه در تمامی ابعاد را دارا باشد.

از آنجا که حرکت و تحول بسوی کمال و «انسانیت» نیازمند به «آگاهی» و «علم» است، در نظام خلقتِ نفس و روح بشر، خالق هستی، او را به خوبیها و بدیها آگاه کرد ﴿فَالهَمها فجورها و تقویها﴾^۱، و سپس به او اختیار داد که یا به راه سعادت و یا شقاوت حرکت کند ﴿لاکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی ...﴾^۲، ﴿اناهدیناه السبیل اماشاکراً و اما کفوراً﴾^۳ و بدین جهت جنگ و نزاع همیشگی حق و باطل با خلقت بشر شروع و درگیری هایبل و قابیل مبدأ آن بود که تا قیامت کبری ادامه دارد.

لذا جبهه باطل به رهبری شیطان و شیطان صفتان به مبارزه با حق و حق پرستان پرداخت و این درگیری با بعثت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله گسترده تر و شدیدتر

* - این مقاله از مجموع مقالات رسیده برای "اولین کنگره امام علی (ع) الگوی بسیجیان علوی و فاطمی" که در روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ آبان ماه سال ۱۳۷۵ برگزار می گردد، انتخاب شده است.

است، کامل گشت و این در نصب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مقام ولایت و حکومت تحقق یافت که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿... اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دنياً...﴾^۲، «... امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم...».

حاکمان زرو زور و تزویر از همان صدر اسلام تا به حال، بخصوص یهودیان و امروزه صهیونیستهای منحرف که در قرآن مجید از آنان به عنوان بدترین دشمنان اسلام یاد شده است، ﴿ لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشرکوا...﴾^۵ در صدد انحراف دین و جامعه دینی مسلمانان بوده‌اند و به روشهای متفاوتی از قبیل فرقه تراشی، ایجاد اختلاف، و ارائه «الگوهای» منحرف در قالبهای زیبا و به ظاهر حق و ... متوسل شده‌اند.

در این میان توطئه «جدایی دین از سیاست» و تحریف «عرفان حقیقی» و سامان دهی فرقه‌هایی همانند «تصوف» در صدر برنامه‌های آنان بوده و هنوز وجود دارد.

شبکه‌های فراماسونری و تشکیلاتهای مخوف صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی در چندین قرن گذشته تا به حال در صدد حذف «سیاست» از «دین» و به انزواکشی و عزلت نشینی مسلمانان با روشهای صوفی مآبانه بوده و هستند.

سلسله‌ها و گروههای منحرف با به انحراف کشاندن دسته‌جاتی از مسلمین با نام «عرفان» و «تهذیب نفس» و منتصب نمودن خود به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نفاق گونه به تثبیت حکومتهای ظالمانه و مادی پرداخته و هر حرکت اصلاح‌گرایانه را مورد هجوم قرار داده‌اند. امروزه با توجه به نهضت و حرکت اصیل اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره بزرگ احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و پیوند دین و عرفان با سیاست، بدنبال نابودی و ضربه زدن به این حرکت علوی و حسینی هستند و از هر راه و روشی بهره می‌برند که حکومت اسلامی و ندای حق طلبانه و اسلام‌گرایانه مسلمین

و روشی بهره می‌برند که حکومت اسلامی و ندای حق طلبانه و اسلام‌گرایانه مسلمین را نابود سازند.

لذا ضرورت احیای اندیشه‌ها و رفتارها و ارائه الگوهای عملی از مکتب نبوی، علوی و حسینی یک نیاز اساسی می‌باشد تا روح حماسه، ایثار، شهادت و مبارزه آگاهانه در جهاد اکبر و جهاد اصغر زنده بماند و نسل امروز جامعه اسلامی توانا شود و هر توطئه‌ای را خنثی سازد.

بنابراین در این نوشتار سعی بر آن است که با طرح مباحثی در زمینه «الگوپذیری» انسان و «الگودهی» مکتب اسلام و مکانیسم‌های پذیرش و نهادی کردن این الگوهای الهی، به ذکر توطئه جدا کردن عرفان و سیاست، و ارائه الگوهای منحرف پرداخته و بالاخره «الگوی عرفان سیاسی عبادی» را که در حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تجلی یافته معرفی و حق طلبان و حق پرستان و عاشقان مکتب نبوی و علوی و فاطمی و حسینی را با عرفان ناب اسلامی آشنا سازیم، تا الگویی باشد فرا راه تمامی پویندگان طریق محمدی صلی الله علیه و آله و راهروان عدالت علوی و عرفان علی علیه السلام که در خون کربلائیان ظهور یافت و چراغی شد فرا راه تمامی جوامع در تمامی اعصار.

الف - الگوپذیری انسان:

یکی از ویژگیها و مختصات «انسان» که از بدو تولد در او وجود دارد، اصل «الگوپذیری» است. مطابق با این اصل و ویژگی، بشر از همان کودکی، از زمانی که مراحل اولیه فهم و درک را بروز می‌دهد و اطراف خود را می‌بیند، تا سراسر عمر و لحظه مرگ از جهان اطراف خود و بخصوص افراد نزدیک به او و آنهایی که او می‌بیند، به «یادگیری» می‌پردازد و «الگو» برداری می‌نماید.

علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... با تحقیقات تجربی و عینی خود به این اصل دست یافته‌اند و امروزه از محورهای مباحث علوم تربیتی و علوم اجتماعی،

«الگو پذیری» بشر می‌باشد.

اما قبل از دست یافتن عالمان و محققان این علوم به این اصل، حضرت حق تعالی در قرآن مجید و خاندان عترت علیهم‌السلام در کلام گهربار خویش به آن اشاره نموده‌اند و به جهت همین خصلت اساسی «الگوپذیری» انسان، به معرفی الگوهای حسنه و نیکو در راستای سعادت فرد و جامعه پرداخته‌اند.

برای روشن شدن این اصل زیربنایی و اهمیت آن در سرنوشت فرد و جامعه از دیدگاه قرآن مجید و عترت علیهم‌السلام به ذکر مباحثی در این مقوله می‌پردازیم:

فلسفه نیاز به الگو:

ویژگی «الگوپذیری» انسان بر پایه و اصل نیاز به الگو قرار دارد و همین نکته زیربنای فلسفه نیاز به الگو را شکل می‌دهد.

برای روشن شدن این مبحث باید به «انسان» و مبدأ و معاد او پرداخت تا ضرورت «الگو» واضح شود.

از دیدگاه خالق بشر، حضرت حق تعالی، انسان موجودی است با دو بُعد جسمانی و روحانی و فطرتی پاک و نفسی که به بدیها و خوبیها آگاه و اختیار و اراده‌ای که او را برای طی نمودن صراط مستقیم الهی و یا صراط شیطان توانا می‌سازد.

در این باره قرآن مجید، کلام الهی، می‌فرماید:

«و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشراً من صلصال من حماء مسنون، فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين»^۶، «و پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بشری از گل خشک، از لجن بویناک بیافرینم، چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر آن به سجده بیفتید».

«فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم»^۷، «به یکتاپرستی روی به دین‌آورا، فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت

بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست».

- و نفس و ماسویها، فالهما فجورها و تقویها^۸، «و قسم به نفس و آنکه او را نیکو بیافرید و به او شر و خیر (بدی و خوبی) او را الهام کرد».

- لا اكره فی الدین قد تبیین الرشد من الغی^۹، «در دین هیچ اجباری نیست، هدایت از گمراهی مشخص شده است».

حضرت حق با اشاره به این ویژگی‌ها از خلقت انسان اشاره به مبدأ و معاد و به عبارتی آغاز و انجام بشر می‌نماید و می‌فرماید: ﴿انالله و انالیه راجعون﴾^{۱۰}.

بشر با اصل هدفداری خلقت و هدفمند بودن خلقتش در می‌یابد که باید صراط مستقیم را طی نماید تا به سعادت برسد، وگرنه در گمراهی و ضلالت به وادی اسفل السافلین سقوط می‌نماید و حتی از حیوانات پست‌تر می‌گردد و به مرحله جمادی می‌رسد.

حضرت باری تعالی در این باره می‌فرماید:

- ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون^{۱۱}، «جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم».

بنابراین هدف اصیل برای انسان عبادت حق در تمامی شئون است و «صراط مستقیم» این امکان را فراهم می‌آورد؛ چرا که قرآن مجید از زبان حضرت هود می‌فرماید: ان ربی علی صراط مستقیم^{۱۲}، «هر آینه پروردگار من بر صراط مستقیم است».

انسانی که در این «صراط مستقیم» قرار نگیرد یقیناً در «صراط شیطان» خواهد بود که نتیجه آن را قرآن مجید این چنین مطرح می‌نماید: ...اولئك كالانعام بل هم اضل...^{۱۳}، «... اینان همان چهارپایانند، حتی گمراه‌تر از آنها هستند...».

و در مورد فروتر شدن از جمادات هم در کلام الهی آمده: ... ثم قست قلوبكم من بعد

ذلک فہی کالحجارة او اشدّ قسوه^{۱۴}، «پس آن دلهای شما چون سنگ، سخت گردید، حتی سخت تر از سنگ ...».

لذا «انسان» برای طی نمودن «صراط مستقیم» و رسیدن به حق که خلقتش از اوست و از روح الهی در او دمیده شده، باید «رنگ خدایی» گیرد. بر همین اساس خالق هستی می فرماید:

قولوا آمنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الایساط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لانفرق بین احداً منهم و نحن له مسلمون، فان آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق فسیکفیکم الله و هو السميع العلیم، صبغة الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عابدون^{۱۵}. «بگویند ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده و نیز آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها نازل آمده و نیز آنچه به موسی و عیسی فرستاده شده و آنچه بر پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان آمده، ایمان آورده ایم. میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی نهیم و همه در برابر خدا تسلیم هستیم. اگر به آنچه شما ایمان آورده اید، آنان (یهود و نصارا) نیز ایمان بیاورند، هدایت یافته اند، اما اگر روی برتافتند، پس با تو سرخلاف دارند و در برابر آنها خدا تو را کافی است که او شنوا و داناست. این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است. ما پرستندگان او هستیم».

مطابق با این آیات شریفه «صبغه الله» یافتن بشرکه همان قرار گرفتن در صراط مستقیم است، سعادت و هدف از خلقت او را جامعه عمل می پوشاند و لذا این اصل برای تحقق نیاز به «الگو» و برنامه دارد. چرا که بعد شیطانی و نفس اماره در کمین انسان است که او را منحرف نماید.

در قرآن مجید از زبان شیطان آمده:

قال رب بما اغویتني لازینن لهم فی الارض و لاغوینهم اجمعین، الاعبادک منهم

المخلصین^{۱۶}، «شیطان گفت: ای پروردگار من، چون مرا نومید کردی، در روی زمین بدبهارادرنظرشان بیارایم وهمگان راگمراه کنم، مگر آنهاکه بندگان با اخلاص تو باشند». لذا «الگو»های خوب این امکان را فراهم می‌کند که بشر در هجوم شیطان، از خویش محافظت نماید و مطابق با آن «الگو» از بندگان مخلص حضرت حق و در نتیجه «صبغه الهی» بیابد و در مسیر «صراط مستقیم» قرار گیرد که سعادت او در این است.

پیدا نمودن «صبغه الهی» بدون «الگو»های الهی امکان پذیر نیست و این مهم است که فلسفه نیاز به «الگو» را پاسخگو می‌باشد. در عین حالی که «الگو»های بدو ناشایست هم در گمراهی بشر بوسیله شیطان دخیل هستند.

جان کلام اینکه بشر برای سعادت فردی و اجتماعی و رسیدن به مقام «خلیفه الهی» در این دنیا و مقام «لقاء الهی» در آن دنیا که با «صبغه الهی» در مسیر «صراط مستقیم» تحقق می‌یابد به «الگو» نیازمند است.

الگوهای نظری و عملی:

با مشخص شدن اصل نیاز به «الگو» و فلسفه آن که قرار گرفتن در مسیر سعادت است، به این بحث می‌پردازیم که «الگو»ها بر دو قسم هستند:

۱- الگوی نظری.

۲- الگوی عملی.

شهید بزرگوار آیت الله مطهری می‌گوید:

«در حکمت و فلسفه این حرف گفته شده است که حکمت بر دو قسم است: نظری و عملی. الهیات، ریاضیات و طبیعیات را می‌گویند حکمت نظری یا فلسفه نظری، و در مقابل، اخلاق، سیاست و تدبیر منزل را می‌گویند حکمت عملی. در منطق چنین سخنی گفته نشده است، ولی مطلب صحیح است؛ یعنی همچنانکه فلسفه بر دو قسم است: نظری و عملی، منطق هم یعنی معیارهای بشر هم بر دو قسم است: معیارهای

نظری (همان منطقیهای معمولی) و معیارهای عملی. معیارهای عملی همان است که ما نام آن را «سیره» یا روش می‌گذاریم.

اینچنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق خاص پیروی بکنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول معیار رفتار آنها باشد. در منطق فکری، همه مردم فکر می‌کنند، ولی همه مردم منطقی فکر نمی‌کنند. منطقی فکر کردن یعنی انسان یک سلسله معیارها را به نام منطق که در علم منطق محرز است در دست داشته باشد و تفکرش بر اساس آن معیارها باشد... اکثر مردم رفتارشان منطق ندارد و همینطور که فکرشان منطق ندارد و هرج و مرج بر آن حاکم است، هرج و مرج بر رفتارشان هم حاکم است.^{۱۷}

بر این اصل در اینجا برای روشن شدن مسئله و برای ارائه راه حلی که هرج و مرج فکری و رفتاری و گفتاری را از بین ببرد به طرح نیاز به الگوهای نظری و عملی می‌پردازیم، که این الگوها قادرند تفکر، گفتار و رفتار انسان و جامعه انسانی را نظم دهند و مطابق با منطق الهی پیش برند.

۱- الگوی نظری:

از ویژگیهای بشر این است که معمولاً همانطور که «فکر» می‌کند، «رفتار» می‌نماید، و یا به عبارتی تفکر و اندیشه او مقدمه عمل و رفتار اوست. لذا باید برای رفتار مناسب و ارزشی دارای تفکر و اندیشه و نظام فکری مناسب باشد.

با توجه به تعدد اندیشه‌ها و تفکرات و مراتبی که نفس انسان دارا می‌باشد و بر عقل و تفکر تأثیر می‌گذارد، باید با ارائه الگوی مناسب و منطقی به سامان دهی «تفکر» پرداخت. لذا مقدمه «الگوی عملی»، نیاز به «الگوی نظری» است که شامل اندیشه و تفکر و حالات نفس می‌باشد.

خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم^{۱۸}

«خداوند وضع هیچ قوم (جامعه‌ای) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه نفس خود را تغییر دهند».

لذا تغییر در رفتار و گفتار و حالات یک فرد و جامعه‌ای مبنی بر تغییر نفس و گرایش آن و اندیشه و تفکر است. اگر فرد یا جامعه‌ای دارای الگوی نظری و اندیشه سالم باشند قطعاً رفتار و وضع مناسبی خواهند یافت و بالعکس.

بنابراین به یک «الگوی نظری» نیازمندیم، که حضرت حق این الگو را برای پیروی بشریت در تمامی اعصار و جوامع در «قرآن مجید» و مفسران حقیقی آن «خاندان عترت» علیهم‌السلام قرار داده است. بشر برای دست یابی به رفتار و گفتار نیکو باید بیش و نگرشی نیکو به هستی و خالق آن و سرانجام آن داشته باشد و این همان داشتن «جهان بینی» است که زیر بنای «ایدئولوژی» و سپس «رفتار» قرار می‌گیرد.

جهان بینی صحیح و مطابق با واقع از راه «وحی» و «عقل» قابل دریافت است که وحی شامل کتاب و عترت است و عقل هم زمانی قادر است حکم نیکو و اندیشه صحیح از خود بروز دهد که در پرتو نور وحی حرکت کند و از گزند نفس اماره و شیطان دور باشد.

حضرت حق در مورد «قرآن مجید» به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

قل انما اتبع مایوحی الی من ربی هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون^{۱۹}،
 «بگو: من پیرو چیزی هستم که از پروردگرم به من وحی می‌شود. و این (قرآن) بینشهایی است از جانب پروردگارتان و رهنمود و رحمت است برای مردمی که ایمان می‌آورند».

لذا بینش و نگرش صحیح و مطابق با حقیقت را قرآن مجید برای خواستاران هدایت و ایمان آورندگان هدیه دارد.

خداوند می‌فرماید: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم ...^{۲۰}، «همانا این قرآن خلق را به

استوارترین و راست‌ترین طریقه هدایت می‌نماید...».

و مولا علی علیه السلام می‌فرماید: **و اعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش، و الهادی الذی لا یضل.. و فیهِ ربیع القلب، و ینا بیع العلم...**^{۲۱}، «آگاه باشید که این قرآن پند دهنده‌ای است بدون عیب و هدایتگری است که گمراه نمی‌گرداند... و بهار قلب است و سرچشمه علم می‌باشد...».

لذا قرآن مجید و مفسران واقعی و حقیقی آن که ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند، بیش‌ترین ارئه می‌دهند که کامل‌ترین و دقیق‌ترین و حقیقی‌ترین بینش‌ها و نگرش‌ها می‌باشد، لذا «الگوی نظری» و به عبارتی الگوی جهان بینی و مرام تفکر و اندیشه اینان می‌باشند که برای سلامت و درستی تفکر و نظر باید از آنان پیروی کنیم. منطق و اندیشه و نظر قرآن مجید و ائمه معصومین علیهم السلام الگوی اندیشه و تفکر برای زندگی است.

۲- الگوی عملی:

از آنجا که سعادت و فلاح برای بشر و جوامع بشری با اندیشه و تفکر و دیدگاه نظری حاصل نمی‌شود و این «عمل» است که موجبات صلاح و فلاح را بوجود می‌آورد، بدنبال و همراه نیاز به «الگوی نظری» به «الگوی عملی» هم نیاز می‌باشد.

اصولاً از دیدگاه اسلام نظر و عمل همراه یکدیگر امکان سعادت فردی و جمعی را پدید می‌آورند. در آیات بسیاری از قرآن مجید خداوند با عبارت **الذین آمنوا و عملوا الصالحات** بر این نکته تأکید می‌نماید.

لذا دست یابی به «الگوی عملی» و عینی یک ضرورت است. از آنجا که مکتب حیات بخش اسلام ایده آلیست نیست و شدیداً رئالیسم می‌باشد و از آنجا که شیطان و الگوهای شیطانی همیشه در کمین انسانند تا او را منحرف کنند، «الگوی عملی» این امکان را فراهم می‌سازد که بشر به خطا نرود و بر سر دو راهی‌ها به صراط مستقیم روی

بیاورد.

حضرت حق تعالی به غیر از نیروها و توانایی‌های درونی انسان همانند فطرت، عقل، اراده و ... برای سعادت بشر احکام و قوانین الهی و پیامها و اندرزهایی در قالب شریعت که کاملترین آنها «قرآن مجید» می‌باشد نازل نمود و همراه آن در هر عصری پیامبر و نبی و مرسل فرستاد که «الگوی عملی» این دستورات نظری باشند، تا بشر بتواند با توجه به خصلت «الگو پذیری» از آنان پیروی و گفتار و رفتار خویش را مطابق با «الگوی نظری» صورت عینیت دهد.

به همین جهت در روایات از ائمه معصومین از پیامبران به عنوان «حجت ظاهری» یاد شده است. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: ان الله على الناس حجتين: حجة ظاهره و حجة باطنه، فاما الظاهر فالرسل و الانبياء و الائمة عليهم السلام و اما الباطنه فالعقول، «خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیامبران و امامانند عليهم السلام و حجت پنهان عقل مردم است».

لذا انبياء و امامان معصوم عليهم السلام «الگوهای عملی» برای تفکر، گفتار و رفتار می‌باشند و خود در عمل به «الگوهای نظری» ارائه شده از طرف حضرت حق پیشقدم می‌باشند، تا اینکه دیگران از آنان درس و الگو گیرند و ببینند که دستورات و قوانین الهی قابل تحقق است و ایده آلیستی نیست.

مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌گوید:

ايها الناس اتى و الله ما احتكم على طاعة الا اسبقكم اليها و لانها كم عن معصيه الا اتناهي قبلكم عنها^{۲۳}، «ای مردم، سوگند به خدا، من شما را به هیچ اطاعتی تحریک نمی‌کنیم مگر اینکه خودم به آن اطاعت پیش از شما سبقت می‌گیرم و شما را از هیچ معصیتی نهی نمی‌کنم مگر اینکه پیش از شما خودم از آن معصیت خود داری می‌کنم».

بنابراین «الگوی عملی» در کنار «الگوی نظری» برای دست یابی به حقیقت و

سعادت نیازبشراست و این ریشه دراهمیت «عمل» دارد. چرا که به قول حضرت علی علیه السلام: **المؤمن بعمله** ^{۲۴}، «مومن به عمل خود مؤمن است». یعنی هرکس به اندازه‌ای که عمل می‌کند مؤمن است و ایمان آورده است.

در پایان این بحث برای تذکر و عنایت بیشتر از کلام حق بهره می‌گیریم که فرمود:
من عمل صالحاً من ذکرا و انثی و هو مؤمن فلنجیننه حیوة طیبیه ... ^{۲۵}، «هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد...».

برای دست یابی به «حیات طیبیه» باید «عمل نیکو» داشت و این نیاز به «الگوی نیکو» دارد تا نتیجه آن رسیدن به مقام نفس راضیه و مرضیه باشد، که حق فرمود:

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة ... رضی الله عنهم و رضوا عنه ... ^{۲۶}، «کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته می‌کنند بهترین آفریدگانند ... خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند...».

جان کلام اینکه بشر و جوامع بشری برای دستیابی به «حیات طیبیه» نیازمند به الگوهای نظری و عملی هستند که قرآن و کلام انبیاء و امامان علیهم السلام الگوی نظری و رفتار آنان الگوی عملی می‌دهد.

انواع الگو:

با توجه به اصول نیاز به الگو و همراهی الگوهای نظری و عملی، در اینجا به «انواع الگو» می‌پردازیم. به اختصار می‌توان گفت انواع الگو، مطابق با انواع راه و مسیری است که برای بشریت وجود دارد که به دو راه تقسیم می‌شود.

۱ - صراط مستقیم.

۲ - صراط شیطان.

از این دو راه که دو نوع الگوی خاص خود را دارا می‌باشد می‌توان تحت عنوان

سعادت و شقاوت هم یاد نمود، چراکه عمل مطابق الگوی صراط مستقیم سعادت و عمل مطابق با الگوی صراط شیطان، شقاوت را برای فرد و جامعه در پی دارد. لذا در این مبحث به توضیحی مختصر پیرامون هر کدام از انواع «الگو» پرداخته و دیدگاه مکتب اسلامی را تبیین می‌نمائیم.

۱ - الگوی حسنه:

سیر و حرکت به سوی کمال در «صراط مستقیم» نیاز به «الگوی حسنه» دارد. الگویی که کامل و همه جانبه باشد و انسان بتواند برنامه زندگی خود را به رهبری و پیشوایی آن الگو تنظیم و از خطر انحراف بدور باشد.

خداوند تبارک و تعالی کاملترین و دقیقترین و همه جانبه‌ترین «الگوهای حسنه» را پیامبران معرفی می‌نماید و در مورد حضرت ابراهیم پدر امت اسلامی می‌فرماید:

قد كانت لكم اسوة حسنه في ابراهيم و الذين معه ... لقد كان لكم فيهم اسوة حسنه لمن كان يرجوا الله و اليوم الاخر و من يتول فان الله الغني الحميد^{۲۷}، «شما الگوی خوبی در ابراهیم و پیروان او دارید ... آنها (ابراهیم و پیروانش) الگوی حسنه‌ای هستند برای شما، برای کسانی که از خدا و روز قیامت می‌ترسند و هر که رویگردان شود، خدا بی‌نیاز و ستودنی است».

خداوند تبارک و تعالی حضرت ابراهیم و پیروان واقعی او را الگوی نیکویی برای مؤمنان معرفی می‌نماید و در همین راستا که پیامبران و ائمه معصومین را الگو معرفی می‌نماید به حضرت محمد ﷺ اشاره می‌نماید و می‌فرماید:

لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنه لمن كان يرجو الله و اليوم الاخر و ذكر الله كثيرا^{۲۸}، «برای شما در زندگی رسول خدا الگوی نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».

صاحب المیزان در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«کلمه (اسوه) بمعنای اقتدا و پیروی است، و معنای (فی رسول الله)، در مورد رسول خدا ﷺ است، و اسوة در مورد رسول خدا ﷺ، عبارت است از پیروی او، و اگر تعبیر کرد به (لکم فی رسول الله، شما در مورد رسول خدا ﷺ تأسی دارید)، که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می‌کند برای این بود که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است، و شما همیشه باید به آنجناب تأسی کنید. و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا ﷺ، و ایمان آوردن شما، این است که به او تأسی کنید، هم در گفتارش و هم در رفتارش»^{۲۹}

خداوند تبارک و تعالی در فلسفه «الگوی حسنه» بودن پیامبران و بخصوص خاتم آنان و کامل کننده دین حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

- ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ...^{۳۰}، «ای پیامبر، آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند».

- قل اطیعوا الله و اطیعوا الرسول ... و ان تطیعوه تهتدوا ...^{۳۲}، «بگو: از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید ... و اگر از او اطاعت کنید هدایت یابید ...».

خداوند تبارک و تعالی بیعت و اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ را بیعت و اطاعت از خود می‌خواند و این را موجب هدایت و سعادت می‌داند، چرا که می‌فرماید:

فاستمسک بالذی اوحی الیک انک علی صراط مستقیم^{۳۳}، «ای پیامبر) پس در آنچه به تو وحی شده است تمسک بجوی که تو بر راه راست (صراط مستقیم) هستی».

حضرت حق تعالی، پیامبر اکرم ﷺ را تجلی و ظهور صراط مستقیم معرفی می‌نماید و لذا بشریت برای قرار گرفتن در این راه هدایت و سعادت باید کسی را الگو قرار دهد که خود تجسم عینی صراط مستقیم باشد و این راه را طی نموده و با آن آشنا باشد، و این جز رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام فرد دیگری نیست.

بر همین اساس حضرت حق بدنبال معرفی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان «الگوی

حسنة» از مؤمنان می‌خواهد از او اطاعت نمایند، چرا که در اطاعت است که، الگوپذیری انسان تحقق می‌یابد.

در همین راستا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم در سفارش به الگو قرار دادن رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: فتاس، بنبیک الاطیباطهر - صلی الله علیه و آله - فان فیہ اسوة لمن تأسی، و عزاء لمن تعزى. و احب العیاد الی الله المتأسی بنبیه، و المقتص لاثره ... فتاسی متأس بنبیه و اقتص اثره، و ولج مولجه، و الا فلا یأمن الهلکه ...^{۳۴}، «شما باید روش پیامبر پاک و مطهر صلی الله علیه و آله را پیروی کنید، زیرا در وجود آن حضرت برای کسی که بخواهد الگو بگیرد و یا به تکیه گاهی نسبت داشته باشد سرمشق موجود است. محبوب‌ترین بندگان خدا کسی است که به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اقتدا کند و روش آن حضرت را الگوی خود قرار دهد ... باید کسی که می‌خواهد سرمشق زندگی داشته باشد از محمد صلی الله علیه و آله پیروی کند، راه آن حضرت را برود و کارهای آن حضرت را ادامه دهد، اگر غیر از این راه را تعقیب کرد از هلاکت در امان نیست».

انسانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را الگو قرار ندهد؛ به گفته مولا علی علیه السلام در هلاکت می‌افتد، چرا که شیطان را الگو قرار داده و از صراط مستقیم منحرف شده است. در ادامه مبحث «الگوی حسنه» بعد از معرفی «رسول اکرم صلی الله علیه و آله» به عنوان بهترین الگو، از «امامان معصوم علیهم السلام» به عنوان «الگوهای حسنه» نام می‌بریم، چرا که خداوند می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ...^{۳۵}، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خویش اطاعت کنید ...». در این آیه شریفه حضرت حق از مؤمنان می‌خواهد که از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت نمایند، یعنی اینان را الگو قرار دهند، چرا که آنچه می‌گویند و عمل می‌نمایند، دستور الهی است.

در مفهوم و معنی «اولی الامر» آمده است که: «همه مفسران شیعه اتفاق نظر دارند که منظور از «اولوالامر»، امامان معصوم علیهم السلام می باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها سپرده شده است، و غیر آنها را شامل نمی شود، و البته کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شرایط معینی اطاعت آنها لازم است نه به خاطر اینکه اولوالامردند، بلکه به خاطر اینکه نمایندگان اولوالامر می باشند»^{۳۶}.

بنابراین «امامان معصوم علیهم السلام» بهترین و کاملترین الگوها برای پیروی می باشند. چرا که «امام» تمامی شئون و وظایف پیغمبر را عهده دار است و تنها به او وحی نمی شود، و منصب جانشینی پیامبر را بعهده دارد. امام معصوم هم همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماینده حق در زمین است و با اطاعت او که در الگوی نظری و عملی قرار دادن ظهور می یابد، سعادت پدید می آید.

خداوند تبارک و تعالی به عنوان نمونه و مثال از انسانهایی که از خدا و رسولش اطاعات کرده و آنان را الگو قرار داده مثالی به میان می آورد و بندگان را متذکر می شود:

و ضرب الله للذین امنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین. و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین^{۳۷}، «و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند، زن فرعون را مثل می زند آنگاه که گفت: ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکاره برهان. و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم. و او کلمات پروردگار خود و کتابهایش را تصدیق کرد و او از فرمانبرداران بود».

حضرت حق تعالی این دو زن را نمونه ای از انسانهایی معرفی می کند که الگوی حق

را پذیرا و به حیات طیبه دست یافته‌اند. زن فرعون در آن محیط فاسد، از آنجا که در نظر و عمل الگوی معرفی شده از طرف حق را پیروی کرد به آن مقام والا و درجات انسانیت دست یافت. و این خودگواهی است که بشریت با پیروی از الگوی حسنه به سعادت می‌رسد و این امکان برای همه وجود دارد.

۲- الگوی سیئه:

با توجه به بُعد منفی و حیوانی نفس بشر و کوشش شیطان در به انحراف کشیدن انسان نوع دیگر الگورا می‌توان «الگوی سیئه» نام برد. این الگو همان زشتی‌ها و بدیها و گناهان است که بشریت را به وادی اسفل السافلین و مراحل پست‌تر از حیوانات و جمادات سوق می‌دهد.

با خلقت حضرت آدم و حوا و سجده فرشتگان بر اینان به جز «ابلیس» توطئه او علیه بشریت بوسیله نفس اماره و جلوه دادن و آراسته کردن بدیها شروع گشت و لذا عده‌ای در اندیشه و گفتار و رفتار پیرو او می‌شوند و او را الگو قرار می‌دهند که همان «الگوی سیئه» می‌باشد.

حضرت حق تعالی در آیاتی چند به توطئه و فریب شیطان و راههای به انحراف کشیدن و الگو شدن او برای عده‌ای اشاره می‌نماید و انسانها را از اطاعت او بر حذر می‌دارد که به چند نمونه از این آیات اشاره می‌نمائیم:

- قال رب بما اغويتني لازين لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين، الاعبادك منهم المخلصين^{۳۸}، «شیطان گفت: ای پروردگار من، چون مرا نومید کردی، در روی زمین بدیها را در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم، مگر آنان که بندگان با اخلاص تو باشند».

- يا ايهاالذين آمنوا لاتتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فانه يامُر بالفحشاء و المنكر...^{۳۹}، «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، پا به جای پای شیطان مگذارید و

هرکس که پای به جای پای شیطان بگذارد، بداند که او به فحشا و منکر فرمان می دهد
...».

... و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً^{۴۱}، «و هرکس شیطان قرین او باشد، قرینی
بد دارد».

- استحوذ علیهم الشیطان فانسهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الان حزب الشیطان
هم الخاسرون^{۴۱}، «شیطان بر آنها چیره شده است و نام خدا را از یادشان برده است.
ایشان حزب شیطان هستند. آگاه باش که حزب شیطان زیان کنندگانند».

حضرت حق تعالی در این آیات شریفه به بشریت اعلام می کند که شیطان با آراستن
بدیها و فرمان به فحشا و منکر، انسانها را از راه حق جدا می کند و هرکس پیرو شیطان
شود و الگوی خویش را او قرار دهد و پای جای پای شیطان بگذارد به «حزب شیطان»
داخل شده و از گمراهان و زیان کنندگان می شود.

«الگوهای سیئه» که بدیها و زشتیها در اندیشه و رفتار و گفتار مورد اطاعت قرار
می گیرند، از توطئه شیطان در گمراه کردن بشریت است، لذا حضرت حق به انسانها
می فرماید:

- یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان ...^{۴۲}، «ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد ...»
- و اما ینز غنک من الشیطان نزع فاستعد بالله ...^{۴۳}، «و اگر از جانب شیطان در تو
وسوسه ای پدید آمد به خدا پناه ببر ...».

- و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهوله قرین^{۴۴}، «هرکس از یاد خدای
رحمان روی گرداند، شیطانی بر او می گماریم که همواره همراهش باشد».

خداوند تبارک و تعالی تنها راه مقابله با توطئه و الگوهای سیئه شیطان را یاد و ذکر
خود و قرار دادن الگوهای حسنه همانند پیامبران و انبیاء و امامان معصوم و پیروان
واقعی آنها می داند. الگوهای شیطانی موجبات لغزش و انحراف انسان را پدید می آورد

که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توطئه شیطان و ارائه الگوهای سیئه و پذیرفتن عده‌ای از افراد بشر می‌فرمایند:

اتخذوا الشیطان لامرهم ملاکاً، و اتخذهم له اشراکاً، فباض و فرخ فی صدورهم و دبّ و درج فی حُجورهم، فنظر بأعینهم، و نطق بالسنتهم، فرکب بهم الزلل، و زین لهم الخطل، فعل من قد شرکه الشیطان فی سلطانه، و نطق بالباطل علی لسانه^{۴۵}، «شیطان را نمونه (الگوی) کار خود قرار داده‌اند، شیطان هم آنان را دام خود گردانیده است. نتیجه این شد که شیطان در سینه‌های آنان تخم گذاشته، تخم‌ها جوجه شده، در دامن آنان راه رفته و گام برداشته و در نتیجه شیطان با چشمانشان نگاه کرده و بازایشان سخن گفته است.

شیطان با اینگونه افراد بر لغرشها تسلط یافته و خطاها در نظرشان جلوه داده شده است. کارهای اینان مانند کسی است که شیطان در قدرت آنان سهیم است و با زبان شیطان حرف پوچ زده است».

حضرت مولا علی علیه السلام در این کلام خود عده‌ای را به تصویر می‌کشند که الگوشان شیطان است و گفتار و رفتارشان مطابق با الگوهای ارائه شده از طرف اوست و لذا در دام او گرفتار شده‌اند. خداوند تنها راه‌هایی از سلطه شیطان و عمل نکردن به الگوهای سیئه او را بندگی و اطاعت حق می‌داند که در همان «الگوهای حسنه» جلوه می‌کند. خداوند در پاسخ به شیطان که گفت بندگان تو را گمراه می‌کنم فرمود:

انّ عبادی لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوین^{۴۶}، «تو را بر بندگان تسلطی نیست، مگر بر آن گمراهی که تو را پیروی کنند».

جان کلام اینکه «الگوهای سیئه» همان الگوهای ارائه شده از طرف شیطان است که هرکس از خداوند و الگوهای حسنه او غفلت کند دچارش می‌شود و جزء حزب شیطان قرار می‌گیرد و از زیانکاران قرار می‌گیرد.

ابعاد الگوی حسنه:

از آنجا که بشریت تنها در پرتو و اطاعت از الگوهای حسنه، سعادت و توسعه دنیوی و اخروی را درک می‌کند، آشنایی با ابعاد این الگوهای حسنه ضرورت می‌یابد. در یک جمله می‌توان گفت، ابعاد الگوهای حسنه را ابعاد نیازهای بشری تشکیل می‌دهد، چرا که در این الگوها هر آنچه از اندیشه، گفتار و رفتار وجود داشته باشد، الگویی حسنه دارد که با آگاهی از آن باید در نظر و عمل اطاعت کرد.

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان چهار نیاز و ارتباط کلی برای بشریت و جوامع بشری نام برد که تمامی ابعاد نیازها و احتیاجات بشر را در خود جای می‌دهد که عبارتند از:

۱- ارتباط انسان و جامعه انسانی با خداوند.

۲- ارتباط انسان و جامعه انسانی با خود.

۳- ارتباط انسان و جامعه انسانی با هم‌نوع خود.

۴- ارتباط انسان و جامعه انسانی با طبیعت (جمادات، نباتات، حیوانات).

در حوزه اندیشه و تفکر و منطق اسلام این چهار ارتباط و نیاز بشر و جوامع بشری در تمامی اعصار و جوامع وجود دارد و برای دستیابی به بهترین شکل ارضاء این نیازها باید ارتباط با خداوند تبارک و تعالی محور قرار گیرد و بقیه ارتباطات حول این محور و در چار چوب قوانین الهی تحقق یابند.

احکام الهی در سه ارتباط دیگر می‌تواند الگوهای حسنه‌ای برای شکل دهی این ارتباطات پدید آورد و جامعه انسانی به سعادت برسد.

لذا ابعاد الگوهای حسنه باید این چهار ارتباط را در برگیرد و تکلیف بشر را در این ارتباطات مشخص سازد.

از آنجا که این ارتباطات به شکل سیستمی و ارگانیک با هم هستند و نقص در هر کدام از آنها در بقیه ارتباطات خلل ایجاد می نماید، الگویی می تواند به بشریت کمک کند که تمامی این چهار ارتباط را به شکل حقیقی و با توجه به سیستم ارگانیک آنها مد نظر قرار دهد.

بنابراین مکتب اسلام و قوانین الهی آن که در قرآن و عترت وجود دارد بهترین الگوی این ارتباطات می باشد.

لذا شریعت محمدی ﷺ تمامی این ارتباطات را در قالب الگوهای حسنه ارائه نموده است. همانطور که در مباحث گذشته روشن نمودیم کاملترین الگوی حسنه را «پیامبر اکرم ﷺ» ارائه داده اند که باید از ایشان الگو گرفت.

خداوند تبارک و تعالی در مورد رسول خدا ﷺ می فرماید:

ما ضل صاحبکم و ماغوی. و ما یطق عن الهوی. ان هو الاوحی یوحی^{۴۷}، «که صاحب شما (پیامبر اکرم ﷺ) هیچگاه در ضلالت و گمراهی نبوده است. و سخن از روی هوای نفس نمی گوید. سخن او هیچ غیر از وحی نیست».

سخن او و رفتار او عین وحی الهی است و از آنجا که صاحب و یاور شماست باید او را الگو قرار دهید و از او اطاعت کنید، این کلام الهی است برای سعادت و رستگاری بشر.

خداوند می فرماید:

... و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا^{۴۸}، «هر چه پیامبر دستور می دهد، بگیرید و از هر آنچه شما را نهی کرد اجتناب کنید...».

در این آیه شریفه چگونگی اطاعت و پیروی از الگوی حسنه با اطاعت از دستورات او در امر به نیکی و نهی از بدی مطرح شده است.

لذا در ابعاد الگوی حسنه که چهار ارتباط بیان شده می‌باشد، باید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اطاعت کرد و هر آنچه را امر می‌کند، انجام داد و از هر چه نهی کرد، اجتناب نمود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به عنوان الگوهای حسنه زیباترین ارتباط را با خالق هستی برقرار می‌کردند و به طاعت او مشغول می‌شدند. اینان به خودشناسی برای برقراری ارتباط با خویشتن می‌پرداختند و در ارتباط با هم‌توعان خود در جامعه به بهترین شیوه و انسانی‌ترین طریقه رفتار می‌نمودند و در ارتباط با طبیعت از آن بهره می‌بردند و به کار و فعالیت اقتصادی می‌پرداختند و تمامی این رفتارها در چارچوب احکام الهی بود.

لذا باید «سیره نبوی» و «سیره علوی» و ... را فراگرفت و با درک نمودن رفتارهای این بزرگ انسانهای نمونه یا انسانیت و الگوهای حسنه آشنا شد.

سیره و روش انبیاء و امامان علیهم السلام در این چهار ارتباط بهترین الگو برای اندیشه، گفتار و رفتار است.

جان کلام اینکه ابعاد الگوی حسنه را ابعاد نیازها و ارتباطات چهارگانه تشکیل می‌دهند که باید همگی مطابق با امر و نهی رسول الله صلی الله علیه و آله که سخن و فعلش مطابق با وحی خداست تحقق یابد. ولذا انسان و جامعه انسانی زمانی قادر است به سوی توسعه حقیقی و سعادت پیش برود که تمامی این ارتباطات را مد نظر قرار دهد و تک بعدی نگردد.

الگوهای ارائه شده از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین حاکی از کامل بودن و همه جانبه بودن این ارتباطات است که اینان خود از هیچکدام از ابعاد غفلت ننموده‌اند و به نیازهای معنوی و مادی پاسخ داده‌اند.

منابع:

- ۱- سوره شمس / ۸
 ۲- سوره بقره / ۲۵۶
 ۳- سوره دهر / ۳
 ۴- سوره مائده / ۳
 ۵- سوره مائده / ۸۲
 ۶- سوره حجر / ۲۸-۲۹
 ۷- سوره روم / ۳۰
 ۸- سوره شمس / ۷-۸
 ۹- سوره بقره / ۲۵۶
 ۱۰- سوره بقره / ۱۵۶
 ۱۱- سوره زاریات / ۵۶
 ۱۲- سوره هود / ۵۶
 ۱۳- سوره اعراف / ۱۷۹
 ۱۴- سوره بقره / ۷۴
 ۱۵- سوره بقره / ۱۳۸-۱۳۶
 ۱۶- سوره حجر / ۴۰-۳۹
 ۱۷- شهید مرتضی مطهری، سیری در سیر - نبوی ص / ۶۳
 ۱۸- سوره رعد / ۱۱
 ۱۹- سوره اعراف / ۲۰۳
 ۲۰- سوره اسراء / ۹
 ۲۱- نهج البلاغه خطبه / ۱۷۵
 ۲۲- اصول کافی (ترجمه مصطفوی) جلد یک ص ۱۹
 ۲۳- نهج البلاغه خطبه / ۱۷۴
 ۲۴- غرورالحکم و ذر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری جلد یک ص ۱۲
 ۲۵- سوره نحف / ۹۷
 ۲۶- سوره بینه / ۷-۸
 ۲۷- سوره ممتحنه / ۶-۴
 ۲۸- سوره احزاب / ۲۱
 ۲۹- ترجمه تفسیرالمیزان ج ۳۲ ص ۱۴۳
 ۳۰- سوره فتح / ۱۰
 ۳۱- سوره نساء / ۸۰
 ۳۲- سوره نور / ۵۴
 ۳۳- سوره خرف / ۴۳
 ۳۴- نهج البلاغه خطبه / ۱۵۹
 ۳۵- سوره نساء / ۵۹
 ۳۶- ناصر مکارم شیرازی تفسیر نمونه ج ۳ ص ۴۳۶
 ۳۷- تحریم / ۱۲-۱۱
 ۳۸- سوره حجر / ۴۰-۳۹
 ۳۹- سوره نور / ۲۱
 ۴۰- سوره نساء / ۳۸
 ۴۱- سوره مجادله / ۱۹
 ۴۲- سوره اعراف / ۲۲
 ۴۳- سوره اعراف / ۲۰۰
 ۴۴- زحرف / ۳۶
 ۴۵- نهج البلاغه خطبه / ۷
 ۴۶- سوره حجر / ۴۲
 ۴۷- سوره نجم / ۴-۲